

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم وېر زنده يک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

31 دسمبر 2011

گذر هائی در فیس یک

(گذر سی و پنجم)

فرستاده مجهول

قاصدی ، باز در قلب مرا تک زد
یک فرستاده مجهول ، ز سوی تو رسید
تا گشودم در دل ، بیخود و مدهوش شدم
وای برق نگاهی را که ز روی تو رسید
با تعجب نظر انداخته حیران شدم
دم عیسای سخن ، از گپ و گوی تو رسید
خانه دل شدی پُر عطر و پُر از عنبر و مشک
بعد عمری به مشامم ، کمی بوی تو رسید
گفته بودی که ، پیامی نفرستم به شما
من به قربان سرت مظهر هوی تو رسید

بعدِ پنج روز ، نه ، پنج سال ، خبردار شدم
دوستم داری که ، این لطفِ نکوی تو رسید
خوب کردی صنما ، چشمِ منت روشن شد
کاروانِ خبر ، از سلسله کوی تو رسید
حال ، من منتظرم تا ز سرِ لطف و کرم
جُرم و جُرمانه جزائی که ز موی تو رسید
بعد ، « نعمت » به تو بالیده و بس فخر کند
زهرِ قاتلِ گَرم از جام و سبوی تو رسید